جهان اسلام: عراق جدید: مبارزه بر ضد کمونیسم

خسروشاهی، سید هادی

سخنی درباره این بحث:

یازدهمین قسمت بحث ما درباره«تاریخ عراق»که جزئی از«جهان اسلام»است‏ در شماره 6 سال چهارم مجله درج شد..ولی پس از آن،متأسفانه بنا بعللیکه پیش‏آمد!ادامهء آن مقدور نگردید و اکنون هم که از نو«بقیه»بحث را شروع میکنیم،به بسیاری از حوادث‏ تاریخی آن سرزمین اسلامی،که منجر به روی کارآمدن رژیم جدید گردید؛اشاره‏ای نمیکنیم! برای اینکه بعضی‏ها میگویند:تجزیه و تحلیل علل و عوامل پیدایش حوادث اجتماعی و برچیده- شدن بساطی،یا بروی کارآمدن رژیمی،در یک سرزمین اسلامی از«تاریخ اسلامی مربوط بجهان‏ اسلام»نیست!!

آنها میگویند:شما فقط شرح‏حال رجال علم و ادب آنسامان را بنویسید و تعداد مؤلفات‏ آنها را درباره ادبیات یا مسائل دیگر،بیان کنید.

گوئیکه تاریخ اسلامی جهان اسلام،از نظر آنان فقط بحث در اطراف همین مسائل غیرضروری است و مطرح ساختن این‏گونه مباحث است که موجب عبرت!دیگران میشود!.

شاید آنان فکر میکنند که هزار سال بحث در این زمینه‏ها،نگهبان استقلال سیاسی و اقتصادی ما موجب حاکمیت ملی ما بر سرزمینهای اسلامی بوده است!

نتیجهء این طرز فکر،بالمآل این میشود که یک محله دینی حق نداشته باشد درباره مسائلی‏ بحث کند که خواهی نخواهی بوجود آورنده حوادث تغییردهنده سرنوشت ملت؛یا ملتهائی است.

ما نیز ناچار این طرز فکر را میپذیریم!!و فعلا اینگونه مسائل مربوط به سرزمینهای‏ اسلامی عصر خود را مورد بحث و تحقیق قرار نمیدهیم.

بنابراین ما در بحث جدید خود،فقط سخنی درباره عراق امروز بمیان میآوریم و سپس‏ اطلاعات جامع و تازه‏ای از وضع آنسامان برای شما مینویسم و پس از معرفی شهرهای بزرگ‏ و مذهبی،بحث خود را در این‏باره خاتمه داده و بسراغ سرزمینهای اسلامی دیگر میرویم.

بارها گفتیم و باز هم میگوئیم:ما در این نوشته‏ها هدفی جز شناخت و شناسائی بیشتر «جهان اسلام»و عبرت‏گیری از حوادث تاریخی آن،نداشته و نداریم و امیدواریم که این سلسله‏ مقالات لااقل برای آندسته از مردمیکه هنوز چیزی از کشورهای برادر خود نمیدانند،مفید باشد

جمهوری عراق چگونه بوجود آمد؟

...فشار و اختناق همه‏جانبه‏ای از طرف حکومت سابق،بر مردم مسلمان عراق حکمفرما بود؛رجال سیاسی مشغول زدوبندهای سیاسی و رتق‏وفتق امور بودند!...

مسئله«اتحاد عربی»بین اردن و عراق،پس از وحدت مصر و سوریه،پی‏ریزی شد و قرار شد که نیروهای مسلح هردو کشور یکی شود و«وزارت اتحاد عربی»در عراق بوجود آمد1 و کم‏کم پرچم«اتحاد عربی»بر سر عمارات دولتی باهتزاز میآمد که کودتای 14 تموز (1958 م)برابر 26 ذیحجه 1377 ه برهبری عبد الکریم قاسم افسری که رئیس تیپ پیاده‏ عراق بود و عازم کشور اردن بود!رژیم را تغییر داد و«نوری السعید»که یک عمر در پست‏های‏ حساس عراق قرار داشت و فقط 15 بار نخست وزیر شده بود،فراری شد و سپس با عده‏ای‏ دیگر با وضع عجیبی کشته شد.بلافاصله عراق«جمهوری»شد و جمهوری جدید،اتحاد مسخره‏آمیز و ضد ملی«عربی»سابق را باطل دانست و دستور داد که پرچم جدید عراق بجای پرچم«اتحاد عربی»بر سر ادارات نصب شود.

(1)برای اطلاع از جزئیات جریان بتاریخ الوزارات العراقیه جلد دهم تألیف سید عبد الرزاق‏ حسنی ط لبنان صفحه 247 و ببعد مراجعه شود.

کمونیسم؛محصول فشار!

فشارها و تضییقات و سانسورهای حکومت سابق،همه مردم را ناراضی ساخته بود و همین امر بظاهر کوچک،باعث شده بود که مردم در فکر پناهگاهی باشند..کمونیسم از این فرصت،استفاده‏ میکرد؛و چنانکه در جاهای دیگر دنیا نیز مشابه آن دیده شده است؛فعالیتهای زیرزمینی‏ خود را علیرغم سازمانهای پلیسی و اطلاعاتی،مخفی‏تر انجام داده و بمردم وعده آزادی! میداد و تشکیلات آن بقدری منظم و قوی بود که پس از اعلام آزادی احزاب،بلافاصله حزب‏ کمونیست عراق«الحزب الشبوعی»یا«اتحاد الشعب»بفعالیت علنی پرداخت و معرکه‏گردان‏ میدان شد!.

سیاست حکومت سابق در ایجاد اختناق و از بین بردن آزادیهای فردی و اجتماعی؛عامل‏ اصلی پیشرفت«کمونیسم»در عراق گردید و مردم مظلوم و ستم‏دیده؛خیال میکردند که حزب‏ شبوعی!یک حزب ملی و نجات‏بخش است و از اینجا بود که این حزب رونقی گرفت و رسما در کارهای حکومت جمهوری جدید،دخالت کرد و از عوامل مؤثر اوضاع روز گردید.

البته ما در اصالت!کمونیستهای عراق شک فراوان داریم ولی هرچه باشند،نتیجه‏ای‏ که از آن عاید جوانان مردم مسلمان گردید،سستی ایمان و عقیده،اختلاف و دو دستگی بود.. حزب کمونیست عراق!طبق معمول سیل کتابها و نشریات کمونیستی را جاری ساخت و با نازلترین قیمت،بهترین کتابهای شرح‏دهنده اصول مارکسیسم-لنینیسم را در دسترس جوانان‏ بی‏پناه و بیگناه گذاشت و یکی از هدفهای مبارزه خود را«مذهب»قرار داد!.

کوششهای ضداسلامی کمونیستها اوج گرفت و بمرحله نهائی خود رسید تا آنجا که در اعتاب مقدسه؛بمقدسات مذهبی مردم مسلمان توهین و جسارت نمودند و به تظاهرات ضد مذهبی پرداختند...

البته هدف حزب کمونیست همانند احزاب همفکر خود،اجرای دستورهای کمنیزم‏ و ستاد مرکزی پرولتاریا!و اردوگاه کمونیسم بین‏المللی بود1و میخواست با استفاده از فرصت!عراق اسلامی را جزو«اقمار شوروی»درآورد،چنانکه حزب کمونیست«آلبانی» توانست اینکشور اسلامی را از اردوگاه سرزمینهای اسلامی خارج ساخته و جزء بلوک کمونیسم‏ بنماید2.

(1):برای اطلاع بیشتر از ماجرای کمونیسم در عراق و فعالیتهای ضدملی و ضداسلامی‏ آنان بکتاب:«الی این یسیر الشیوعیو بالعراق»تألیف«انعام الجندی»چاپ بیروت- لبنان مراجعه شود.

(2):دراین‏باره؛در ضمن معرفی کشور آلبانی اسلامی؛مفصلا بحث خواهیم کرد.

مبارزه شروع میشود:

مبارزهء ملی تمام طبقات اصیل و مسلمان عراقی،علیه توطئه‏های امپریالیسم که بشکل‏ پیشرفت کمونیسم جلوه کرده بود،شروع شد و پرچمدار مبارزه؛طبق معمول؛علمای بزرگ‏ اسلامی عراق بودند.

نخست فتوای مراجع بزرگ دائر بارتداد و کفر کمونیستها صادر شد این فتاوی،برای‏ مردم ساده‏لوحیکه حزب کمونیست را تنها نجات‏دهنده خود میدانستند و بسوی آن گرایش کرده‏ بودند؛بمثابه زنگ بیدار باشی بود که از خواب غفلت خطرناکی،همهء آنان را بیدار ساخت و بدینوسیله حزب کمونیست؛از نظر اعضاء شکست سختی خورد و به تظاهرات مسخره‏آمیز و ضد مذهبی پرداختـ

البته بموازات فتاوای علمای بزرگ؛مبارزه قلمی نویسندگان اسلامی نیز آغاز گشت‏ و صدها کتاب و نشریه و چند مجله و روزنامه دینی از طرف جوانان اسلامی-برهبری علماء-منتشر شد

و از طرف دیگر؛چندین جمعیت اسلامی بوجود آمد که شاید از همه قویتر و فعالتر«جماعة العلماء»و«الحزب الاسلامی»و«الاخوة الاسلامیه»بودند که جرائد«الاضواء»و «الفیحاء»و«لواء الاخوة الاسلامیه»ارگان رسمی آنها بود البته این جمعیتها از طرف‏ علمای اسلامی تأیید میشد و بعضی از مراجع بزرگ پشتیبانی خود را از«جماعة العلماء»رسما اعلام داشتند.

کتابهای زیادی نیز از طرف دانشمندان اسلامی منتشر گردید که دو کتاب«فلسفتنا» و«اقتصادنا»-که از نجف اشرف منتشر شد نمونه‏ای از آنها بود و مخصوصا مورد استقبال جوانان‏ قرار گرفت.مبارزه همه‏جانبه‏ای علماء اسلامی با کمونیسم در عراق،موجب نجات نسل‏ جوان از انحرافهای فکری و گرایش بسوی کمونیسم گردید،و این اقدام یکی از بزرگترین و اساسی‏ترین اقدامات علمای بزرگ عصر ما در راه خدمت باستقلال عراق بشمار میرود

\*\*\* ولی پشتیبانی بیدریغ اردوگاه کمونیسم از حزب کمونیست عراق و نفوذ عجیب آنان در دستگاه هیئت حاکمه جمهوری ادامه یافت و همین امر عامل اصلی قیام افسران استان«موصل» گردید و سرهنگ«عبد الوهاب شواف»علیه توسعهء قدرت و نفوذ کمونیسم در عراق قیام کرد. ولی چون«سیاست خارجی»از وی پشتیبانی نکرد،قیام وی با تمام قوا؛از راه زمین و هوا؛کوبیده‏ شد و خود وی و هزاران نفر در موصل و اطراف آن در اثر بمباران هواپیماهای حکومت مرکزی کشته شدند...1

بدینترتیب قیام موصل،شکست خورد،و قدرت کمونیستها در دستگاه‏های اداری‏ روزبروز بیشتر گردید ولی مبارزه دامنه‏دار علمای بزرگ اسلامی؛سرانجام باین نتیجه رسید که عشایر مسلمان عراق با اسلحه به نجف و کرخه آمدند و از علمای بزرگ فتوای جهاد خواستند. و همین کار موجب شد که دولت عراق جلو فعالیتهای کمونیستها را گرفت و حزب کمونیست عراق‏ را منحل ساخت.

البته احزاب اسلامی نیز منحل گشت و جرائد دینی نیز جبرا تعطیل گردید؛و آزادیهائی‏ که بمردم داده شده بود کم‏کم محدود شد،ولی در زمینه مسائل اقتصادی و امور عمرانی پیشرفتهای‏ زیادی نسبت به دورهء سابق بعمل آمده و همچنین در تعمیر و تجدیدبنای اعتاب مقدسه و مساجد اسلامی نیز کوششهائی شده که بجای خود قابل تقدیر است.

(1):برای مزید اطلاع در این‏باره رجوع شود بکتاب:«نحن و العراق و الشیوعیة» از«جمال عبد الناصر»صفحه 35 ببعد-چاپ بیروت.

رسول خدا(ص)فرمود آیا ترا راهنمائی نکنم بر عملیکه خدای‏ تعالی را خوشنود میسازد؟گفتم چرا ای رسول خدا؛فرمود:بین‏ مردم اصلاح بده هرگاه رو به فساد بروند؛و دوستی ایجاد کن‏ هرگاه باهم دشمنی کنند.